جلسه 236

شنبه 28/02/87

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث در صورت رابعه بود که شخص می دانست هم وضوء بر او واجب است و هم زیارت. اما نمی دانست که آیا وضوء واجب نفسی است یا واجب غیری است به عنوان شرط زیارت. که اگر واجب غیری باشد ناچار است قبل از زیارت وضوء بگیرد و وضوئش را تا هنگام زیارت نگه بدارد.

مرحوم آقای صدر فرمود: اگر وحدت واقعه باشد که فقط یک بار مبتلا شده است به علم اجمالی، نمی داند که در آینده این واقعه تکرار خواهد شد، اگر وحدت واقعه باشد مشکلی نیست، هم برائت جاری می شود از اشتراط زیارت به وضوء، و هم برائت جاری می شود از وجوب نفسی وضوء. چه محذوری دارد.

ایشان توضیح داده فرموده است: در منجزیت علم اجمالی شرط است که برائتی که در دو طرفش می خواهد جاری بشود مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه باشد. مثلا من می دانم خوردن یکی از این دو آب حرام است. برائت از حرمت شرب آب الف با برائت از حرمت شرب آب ب با هم تعارض می کنند. چرا؟ برای اینکه از جمع بین این دو ترخیص در مخالفت قطعیه لازم می آید. و بعبارة اخری مکلف می تواند به هر دو برائت إستناد بجوید. به برائت از حرمت شرب آب الف إستناد بکند آب الف را بخورد. به برائت از حرمت شرب آب ب إستناد بکند و آب ب را بخورد. این می شود ترخیص در مخالفت قطعیه. و این است که باعث می شود که اصل برائت تعارض کند و علم اجمالی منجز بشود.

اما در مانحن فیه برائت از اشتراط زیارت به وضوء در چه حالی قابل إستناد است؟ (دیروز توضیح دادیم) در حالی که مکلف زیارت را اتیان می کند می خواهد از شرط مشکوک او برائت جاری کند. و الا کسی که اصل زیارت را ترک بکند برائت از شرطیت وضوء للزیارة به چه درد او می خورد؟ او که عصیان قطعی کرده است امر به زیارت را. پس در صورتی برائت از شرطیت وضوء للزیارة قابل إستناد مکلف است که مکلف زیارت را اتیان کند، بعد وضوء قبلش نگیرد إستنادا الی البرائة عن الشرطیة.

از آن طرف برائت از وجوب نفسی وضوء کی قابل استناد است؟ یعنی چه موقع من نیاز داریم به این برائت از وجوب نفسی وضوء؟ موقعی که زیارت را ترک می کنم و شک می کنم اگر وضوء را هم ترک کنم عقاب دومی می شوم بر ترک وضوء، إن کان واجبا نفسیا، یا عقاب دوم نمی شوم فقط یک عقاب می شوم بر ترک زیارت، إن کان الوضوء واجبا غیریا.

پس در موقعی که زیارت را ترک می کنم می خواهم وضوء را هم ترک کنم، احتمال می دهم بخاطر ترک وضوء عقاب دوم بشوم. برائت از وجوب نفسی وضوء در این حال می گوید خیالت راحت باشد تو از عقاب دوم در امان هستی. پس إستناد به برائت از وجوب نفسی وضوء هم در فرض ترک زیارت شد. اما در فرضی که شما زیارت را اتیان کردید وضوء را ترک کنید باز می توانید قسم بخورید که من بیش از یک عقاب نمی شوم. چرا؟ برای اینکه لایخلو الواقع که یا وضوء واجب نفسی است، پس زیارت مشروط به وضوء نیست و تمت الزیارة بغیر وضوء. خب وجوب زیارت امتثال شد، وضوء را ترک کردید عقاب واحد بر ترک وجوب نفسی وضوء می شوید. اگر وضوء واجب غیری است، پس دیگر واجب نفسی است. من که احتمال نمی دهم که همزمان هم وضوء واجب نفسی باشد و هم واجب غیری. اگر واجب غیری است پس واجب واجب نفسی نیست، یعنی ما یک وجوب بیشتر نداریم که رفته است روی زیارت مع الوضوء، و این وجوب زیارت مع الوضوء را ترک کرده ام. پس اگر زیارت بکنم وضوء را ترک کنم، یقینا یک تکلیف را مخالفت کرده ام و نه بیشتر. حالا آن یک تکلیف ممکن است وجوب نفسی وضوء باشد، ممکن است وجوب زیارت عن وضوء باشد. فقد عصیت تکلیفا واحدا جزما لا اکثر، فلا استحق الا عقابا واحدا. پس کی برائت از وجوب نفسی وضوء به درد می خورد برای نفی عقاب دوم؟ در جائی که ترک کنم زیارت را.

سؤال وجواب: عقاب اول مسلم وقطعی است. از مشکوک ها برائت جاری می کنند نه از مسلم ها. کلام در این است که برائت از وجوب نفسی وضوء برای نفی عقاب دوم جاری است، می گوید تو نگران نباش، اگر زیارت را ترک کردی و وضوء را هم ترک بکنی لا تستحق اکثر من عقاب واحد. خب این اثر عملی برائت است. ولی کی این برائت اثر می گذارد و کی قابل استناد است؟ موقعی که من احتمال عقاب دوم بدهم، تا برائت بگوید رفع عن امتی ما لایعلمون، وجوب نفسی وضوء از تو مرفوع است فلا تستحق الا عقابا واحدا. کی جای این حرف هست؟ موقعی که من احتمال عقاب دوم بدهم. یعنی زیارت را ترک کنم بخواهم وضوء را هم ترک کنم آنوقت احتمال عقاب دوم می دهم. والا اگر زیارت را انجام بدهم، با ترک وضوء یک عقاب مسلّم، بیش از یک عقاب مسلّم العدم است. دیگر برائت از وجوب نفسی وضوء اثر پیدا نمی کند.

کلام مرحوم آقای صدر این است که: پس استناد به برائت از اشتراط زیارت به وضوء و برائت از وجوب نفسی وضوء با هم جاری می شود و مشکلی پیدا نمی کنیم چون مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. یعنی همزمان استناد به هر دو برائت ممکن نیست. چون إستناد به برائت از اشتراط زیارت به وضوء در فرض اتیان به زیارت است، برائت از وجوب نفسی وضوء إستناد به آن در فرض ترک زیارت است. خب واقعه واحده را که نمی شود هم فرض کنید من اتیان به زیارت کرده ام و هم ترک زیارت کرده ام.

این در واقعه واحده بود.

اما در واقعه متکرره نه، می شود. شما امروز علم اجمالی دارید فردا هم علم اجمالی دارید. امروز فرض کنید اتیان به زیارت می کنید، و استنادا الی البرائة عن شرطیة الوضوء قبل از زیارت وضوء نمی گیرید. فردا ترک می کنید زیارت را، و استنادا الی البرائة عن الوجوب النفسی للوضوء وضوء را هم ترک می کنید. این مستلزم ترخیص در مخالفت قطعیه است. شبیه همینکه آب اول را می خوردم إستنادا الی البرائة عن حرمة شربه، آب دوم را هم می خوردم استنادا الی البرائة عن حرمة شربه، علم اجمالی هم که داشتم به حرمت شرب احدهما، می شد ترخیص در مخالفت قطعیه.

سؤال وجواب: در واجدی المنی فی ثوب مشترک در رسائل خواندید که گفتند دو تا هم حجره هستند لباس همدیگر را می پوشند، یک روز دیدند که لباس ملوث است به منی، حالا نمی دانند خرج من أیّ منهما. می آیند از فقیه سؤال می کنند، می گویند اگر عادل باشید مشکل پیدا می شود و تفصیل الکلام فی محله، برای بحث اقتداء احدهما بالاخر مشکل پیدا می کند. اما اگر بگویند اقتداء احدنا بالآخر قطعا جائز نیست حالا یا چون عادل نیستیم یا چون قرائتمان صحیح نیست. آنوقت مجتهد به این آقا می گوید غسل لازم نیست، به دیگری هم می گوید غسل لازم نیست. می گویند شمای مجتهد که می دانی یکی از این دو جنب است، می گوید بله می دانم ولی مکلف واحد نیست. (حالا بحث ما که مکلف واین بحثها نیست).

اقول: این فرمایش آقای صدر طبق مبنای مرحوم نائینی تمام است. مبنای مرحوم نائینی را مرحوم آقای صدر خوب حفظ کرد و تطبیق کرد. چطور؟

مرحوم نائینی معتقد است که شرط تعارض برائت در اطراف علم اجمالی ترخیص در مخالفت قطعیه است. همین چیزی که آقای صدر تعبیر کرد گفت امکان الاستناد الی کلتا البرائتین معا. ولذا از نظر مرحوم نائینی اگر شما علم اجمالی دارید به حرمة احد الضدین، می دانید یا الان قیام بر شما حرام است یا قعود. مرحوم نائینی می گوید شما که نمی توانی مخالفت قطعیه کنی، نمی توانی همزمان هم قیام و هم قعود داشته باشی، چون اجتماع ضدین ممکن نیست. ولذا برائت از حرمت قیام جاری کن، برائت از حرمت جلوس هم جاری کن، هر کار خواستی بکن. چون ترخیص در مخالفت قطعیه نشد لعدم امکان المخالفة القطعیة.

عده ای مثل مرحوم آقای خوئی به مرحوم نائینی اشکال کرده اند، گفته اند تنها مشکل در علم اجمالی ترخیص در مخالفت قطعیه نیست، تا بگوئید اینجا ترخیص در مخالفت قطعیه پیش نمی آید چون مخالفت قطعیه ممکن نیست. بلکه محذور و مانع دیگری هم داریم در جریان اصول در اطراف علم اجمالی.

در حقیقت سه محذور در جریان اصول در اطراف علم اجمالی ممکن است باشد:

محذور و مانع اول ترخیص در مخالفت قطعیه بود. مثل همان انائین مشتبهین.

محذور دوم: ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه تکلیف معلوم بالاجمال است. چطور؟ آقای خوئی فرموده: جناب آقای نائینی! برائت از حرمت قیام که جاری می شود، برائت از حرمت جلوس هم جاری می شود، یقین داریم که مولا ترخیص قطعی داد در ارتکاب حرام معلوم بالاجمال. چرا؟ برای اینکه یا قیام حرام است، فقد رخّص فیه، یا جلوس حرام است، فقد رخّص فیه. مولا ترخیص قطعی داد در ارتکاب حرام معلوم بالاجمال. و ترخیص قطعی در ارتکاب حرام معلوم بالاجمال یا به تعبیر دیگر ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه تکلیف معلوم بالاجمال قبیح است.

طبق این مبنای آقای خوئی اینجا که آقای صدر گفت شرط است در معارضه اصل برائت ها در علم اجمالی، ترخیص در مخالفت قطعیه و امکان إستناد الی کلتا البرائتین معا، آقای خوئی می گوید نه لازم نیست. بلکه ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه هم قبیح است. یعنی امکان استناد الی کل من البرائتین علی البدل هم کافی است. خب این مکلف امکان استناد هم به برائت از حرمت قیام دارد و هم به برائت از حرمت جلوس، منتهی علی البدل.

مانحن فیه هم همین است دیگر. مانحن فیه در واقعه واحده جناب آقای صدر! امکان استناد الی کل من البرائتین علی البدل هست. چرا؟ برای اینکه این مکلف می تواند از برائت از شرطیت الوضوء للزیارة کمک بگیرد و استناد بجوید به اتیان الزیارة و ترک الوضوء قبلها، و می تواند به برائت از وجوب نفسی وضوء إستناد بجوید به ترک الزیارة و ترک الوضوء أیضا، حالا هر دو را با هم نمی تواند انجام بدهد، مثل این مثالی که قیام و جلوس را با هم نمی توانست انجام بدهد.

نگوئید خب آقای صدر می گوید من مبنای نائینی را قبول داریم نه مبنای آقای خوئی ره را.

جواب این است که نه، اگر آقای صدر در این بحث می گفت نائینی باید تفصیل می داد بین وحدت واقعه و تکرر واقعه، خب می گفتیم دارد می گوید طبق مبنای نائینی من می خواهم این بحث را مطرح کنم. اما آقای صدر گفته نه، حق در مسأله تفصیل است. یعنی نظر خودم هم همین است.

خب جناب آقای صدر! دو تا مقرر بزرگوار خودتان، یکی بحوث 5/ 379 و یکی هم مباحث الاصول 4/403 در یک بحث از شما نقل کرده اند که گفته اید ما نظر نائینی را قبول نداریم، و ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه علم اجمالی را مانع می دانیم از جریان اصول و موجب تعارض اصول می دانیم. یعنی امکان استناد الی کلتا البرائتین معا را لازم نمی دانیم. بلکه امکان الاستناد الیهما علی البدل را کافی می دانیم مثل آن مثال علم اجمالی به حرمت قیام یا قعود. شما اینجور فرمودید، چطور شما مبنای خودتان از یاد رفت؟ الله اعلم.

ما هم چون معتقدیم مبنای صحیح همین است، عقلاء نقض غرض می بینند. من نمی گویم تعبیر آقای خوئی را مطرح کنید که قبح ترخیص در مخالفت واقعیه است. نه، آن تعبیر را آقای صدر هم گفته است من قبول ندارم. تعبیر صحیح این است که عقلاء باور نمی کنند و خلاف مرتکزشان هست که شارع بیاید از یک طرف حرام کند قیام را مثلا، از طرف دیگر هم برائت از حرمت قیام جاری کند و هم برائت از حرمت جلوس، با اینکه علم اجمالی هست که یکی از اینها حرام است. عقلاء این کار را نقض غرض از حکم واقعی به حساب می آورند و این ارتکاز عقلائی موجب می شود خطاب اصل برائت منصرف بشود از این مورد.

پس به نظر ما در این مسأله حق با آقای خوئی است. وحدت واقعه هم باشد برائت از وجوب نفسی وضوء با برائت از وجوب شرطی وضوء تعارض وتساقط می کنند، باید قبل از زیارت حتما وضوء بگیری و وضوئت را هم تا زیارت حفظ کنی.

محذور سوم (از جریان اصول در اطراف علم اجمالی): این محذور سوم که البته مربوط به بحث ما نیست اسمش مناقضه در مؤدی است. توارد حالتین شده است، این آب یک زمانی کر بود و یک زمانی قلیل بود. هم استصحاب کر بودن و هم استصحاب کر نبودن این مناقضه در مؤدی واثر یکدیگر را خنثی کردن است. مناقضه در مؤدی هم مانع سومی است برای جریان اصول در اطراف علم اجمالی که مربوط به بحث ما نیست.

فتحصل مما ذکرنا که حق با آقای خوئی ره است.

یک مطلبی را عرض کنم: آقای صدر ره در این صورت رابعه فرموده اند: اگر زمان وجوب نفسی وضوء مختلف باشد با زمان وجوب شرطی وضوء. دو مثال می شود زد: مثال اول: می دانم یا وضوء قبل از ظهر واجب نفسی است، یا وضوء بعد از ظهر شرط زیارت واجبه است. آقای صدر اینجا گفته است من تسلیم هستم. ولو وحدت واقعه است ولی باید احتیاط کرد. چرا؟ برای اینکه برائت از وجوب نفسی وضوء قبل از ظهر ترخیص در مخالفت احتمالیه است. ترخیص در مخالفت قطعیه که نیست. چون اگر وضوء قبل از ظهر نگیرم که قطع به مخالفت ندارم. پس فی حد نفسه جاری می شود. برائت از تقید زیارت واجب به وضوء بعد از ظهر هم آن هم مخالفت قطعیه که نیست. اگر من بعد از ظهر وضوء نگیرم، صرف وضوء نگرفتن بعد از ظهر قبل از زیارت که مخالفت قطعیه نیست. جمع بینهما که هم صبح وضوء نگیرم و هم بعد از ظهر قبل از زیارت وضوء نگیرم او است که می شود مخالفت قطعیه. پس هر کدام از این برائتها فی حد ذاته مشکل ندارد. برائت از وجوب نفسی وضوء قبل از ظهر، اگر خودش بود جاری می شد. برائت از شرطیت زیارت به وضوء بعد از ظهر، اگر خودش بود جاری می شد. فقط قابل جمع با همدیگر نیستند چون ترخیص در مخالفت قطعیه می شد.

این مطلب متینی است.

ولی آقای صدر یک فرض دیگر کرده است که این غیر متین است ومن تعجب می کنم از ذهن دقیق آقای صدر و مقرر بزرگوارشان چه جور به این نکته توجه نکرده اند که عرض خواهم کرد. مثال دوم آقای صدر این است که می گوید: می دانم یا وضوء قبل از ظهر واجب نفسی است، یا زیارت واجبه مشروط است به وضوء چه قبل از ظهر و چه بعد از ظهر. پس زمان وضوء شرطی اوسع است.

آقای صدر گفته است: در اینجا برائت از تقید جاری نمی شود. چرا؟ برای اینکه برائت از تقید یعنی می توانی در کل روز وضوء نگیری.

آقا! اگر من در کل روز وضوء نگیریم که این مخالفت قطعیه تفصیلیه است. پس برائت از تقید اینجا جاری نمی شود چون معنایش این است که می توانی وضوء نگیری در کل روز. اینکه مخالفت قطعیه است. پس برائت از وجوب نفسی وضوء قبل از ظهر جاری می شود بلامعارض. چون برائت از تقید ترخیص در مخالفت قطعیه است، یعنی می توانی وضوء را ترک کنی قبل الظهر و بعد الظهر.

می گوئیم جناب آقای صدر! برائت از تقید زیارت به وضوء کی می گوید وضوء را می توانی مطلقا ترک کنی؟! بلکه می گوید وضوء شرط زیارت نیست یعنی لازم نیست قبل از زیارت وضوء بگیری و وضوئت را تا هنگام زیارت حفظ کنی. این را می گوید. کی می گوید تو مجازی در ترک وضوء قبل الظهر و بعده؟ می گوید تو مجازی در ترک وضوء قبل از زیارت.

جناب آقای صدر! این کجایش مخالفت قطعیه است؟

من اگر قبل الظهر بروم اول زیارت بدون وضوء، بعد می آیم وضوء می گیرم قبل الظهر، جناب آقای صدر! این مخالفت قطعیه است؟!. خب برائت از تقید این را به من گفت. برائت از تقید بود که گفت می توانی قبل از زیارت وضوء نگیری. اما وضوء نگرفتن قبل از زیارت معنایش مخالفت قطعیه نیست. با این کاری که من کردم که قبل الظهر اول زیارت بعد وضوء یا اول وضوء همان قبل الظهر بعد خواب بعد زیارت، این مخالفت قطعیه نیست. برائت از تقید که ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. راهش این است که قبل از ظهر وضوء بگیرم، حالا وضوءم یا بعد از زیارت باشد یا قبل از زیارت منتهی مع تخلل حدث فی الاثناء، این نتیجه برائت از تقید است. کجای این مخالفت قطعیه است. پس برائت از تقید اثر دارد.

نتیجه برائت از تقید ترخیص در مخالفت قطعیه نیست. نتیجه اش جواز ترک وضوء است قبل از زیارت. همین چیزی که خود آقای صدر در ابتداء بحث مطرح کرد. خود آقای صدر در ابتداء بحث چی گفت؟ در وحدت واقعه گفت اثر برائت از تقید این است که اول زیارت بعد وضوء. خودش گفت. دیگران هم گفته اند، آقای نائینی فرمود، آقای خوئی فرمود، آقای صدر هم فرمود. خب جناب آقای صدر! برائت از تقید اثرش جواز ترک وضوء است قبل از زیارت، واین مخالفت قطعیه نیست. ولکن ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه علم اجمالی پیش می آید. اگر واقعه واحده باشد، ترخیص در مخالفت قطعیه پیش نمی آید، این را قبول داریم. یعنی اگر بخواهیم مبنای مرحوم نائینی را مشی کنیم، در وحدت واقعه برائت از تقید زیارت به وضوء با برائت از وجوب نفسی وضوء قبل از ظهر تعارض نمی کنند. چرا؟ برای اینکه امکان مخالفت قطعیه در وحدت واقعه پیش نمی آید در این فرض که زمان تقید اوسع است از زمان وجوب وضوء نفسی وضوء، وجوب نفسی وضوء قبل از ظهر است ولی زمان تقید از صبح تا غروب است. چرا ترخیص در مخالفت قطعیه پیش نمی آید؟ برای اینکه من در وحدت واقعه چکار کنم تا علم به مخالفت پیدا کنم؟ یعنی اگر من قبل از ظهر وضوء بگیرم، می شود موافقت احتمالیه. اگر بعد از ظهر اول وضوء بگیرم بعد زیارت کنم او هم می شود مخالفت احتمالیه. چکار کنم که مخالفت قطعیه بشود؟ باید بگذارم بعد از ظهر بشود، الله اکبر اذان را بگویند، بعد اول بروم زیارت، بعد بیایم وضوء بگیرم. این می شود مخالفت قطعیه. ولی این مخالفت قطعیه اجمالیه نیست، بلکه این مخالفت قطعیه تفصیلیه است. یعنی این وضوء بعد از ظهر آن هم بعد از زیارت کردن علم تفصیلی دارم که مخالفت واجب است. این علم تفصیلی ها ربطی به بحث علم اجمالی ندارد. علم اجمالی به مخالفت را کنار بگذارید. آنچه مرحوم نائینی می گوید این است که می گوید ترخیص در مخالفت قطعیه اجمالیه اینجا پیش نمی آید. چرا؟ برای اینکه مخالفت قطعیه اجمالیه ممکن نیست.

سؤال وجواب: در همان دو تا اناء شما مخالفت تان می تواند قطعیه اجمالیه باشد. اول آب الف را می خورید بعد آب ب را. اما اگر این دو را روی هم بریزید و با هم بخورید، اینکه ربطی به علم اجمالی ندارد، بلکه علم تفصیلی پیدا می کنید که حرام است. اصلا ربطی به بحث علم اجمالی ندارد. محذور علم اجمالی از نظر مرحوم نائینی ترخیص در مخالفت قطعیه اجمالیه است. یعنی جمع بین دو تا مخالفت احتمالیه که می دانم یکی از آنها عصیان تکلیف است. این محذور علم اجمالی است. شارع بگوید مرخصی آب الف را بخوری. خوردن آب الف مخالفت احتمالیه است، مرخصی آب ب را بخوری، خوردن آب ب هم مخالفت احتمالیه است. جمع بینهما مخالفت قطعیه اجمالیه است. این است محذور علم اجمالی.

اما اینکه بگوئیم آب الف را در آب ب بریزیم او چطور؟ می گویند او اصلا ربطی ندارد به علم اجمالی. او علم تفصیلی پیدا می شود که حرام است، ما چکار به او داریم. اصلا محدوده علم اجمالی و اصول عملیه اصلا در علم تفصیلی نمی آید. علم تفصیلی خارج از محدوده علم اجمالی و اصول عملیه در اطراف علم اجمالی است. در علم تفصیلی اصلا مرتبه حکم ظاهری محفوظ نیست. مرتبه حکم ظاهری شک است. علم تفصیلی را مطرح نکن.

اینجا هم طبق نظر مرحوم نائینی اگر وحدت واقعه بود، علم اجمالی دارم یا وضوء واجب نفسی است قبل از ظهر، یا زیارت عن وضوء إما قبل الظهر أو بعد الظهر واجب است. اگر واقعه واحده بشود ترخیص در مخالفت قطعیه اجمالیه پیش نمی آید. ولی آقای صدر که ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه را جائز نمی داند یعنی موجب انصراف دلیل اصول می داند، ایشان در این مثال باید قائل به معارضه بشود.

سؤال وجواب: ترک وضوء در تمام وقت مخالفت قطعیه است. شارع نمی تواند ترخیص بدهد در ترک وضوء در تمام وقت. اما در انائین شارع ترخیص می دهد در خوردن این آب الف، اینکه مخالفت قطعیه نیست. ترخیص می دهد در خوردن آب ب، اینکه مخالفت قطعیه نیست. جمع بینهما است که مخالفت قطعیه اجمالیه است. ولی اینجا اینطور نیست. اینجا برائت از تقید الزیارة بالوضوء، اگر می خواهید در فرضی به آن استناد کردید که ترک کرده اید وضوء را در تمام روز، این را که آقای صدر گفت مخالفت قطعیه تفصیلیه است. کلام در این است که ما گفتیم می توانید صبح بروید اول زیارت بعد بیائید وضوء بگیرید، که این می شود مخالفت احتمالیه. ما اینجور گفتیم. اما شما دارید فرض می کنید که تا ظهر گرفت خوابید، بعد از ظهر هم با همان حالت چرت رفت زیارت وآمد بیرون. حالا یا اصلا در تمام روز وضوء نمی گیرد، که ترک وضوء در تمام روز می شود مخالفت قطعیه. اگر بعد از زیارت هم وضوء می گیرد او هم مخالفت قطعیه است. چون این وضوء به چه درد می خورد؟ چون یا واجب بوده است وضوء قبل از ظهر یا واجب بوده وضوء قبل از زیارت. وضوء بعد از زیارت بعد از ظهر با وضوء نگرفتن یکی است.

خلاصه در وحدت واقعه در این مثال به نظر ما ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه پیش می آید. و در تکرر واقعه ترخیص در مخالفت قطعیه پیش می آید. در هر دو صورت اصول با هم تعارض می کند.

این بیان آقای صدر که برائت از تقید زیارت به وضوء در این مثال اخیر (که می دانم یا وضوء واجب نفسی است قبل از ظهر و یا زیارت مقید است به وضوء یا قبل از ظهر یا بعد از ظهر) برائت از تقید که آقای صدر گفت جاری نمی شود چون مستلزم ترخیص در ترک وضوء است مطلقا و این می شود ترخیص در مخالفت تفصیلیه حکم واقعی، نه، برائت از تقید اثرش ترک وضوء مطلقا نیست. اثرش ترک وضوء است قبل از زیارت. خب شما می توانید صبح بروید اول زیارت بعد بیائید وضوء بگیرید. اینکه مخالفت قطعیه نشد. شاید فی علم الله زیارت مشروط نیست به وضوء، اگر هم واجب نفسی قبل از ظهر است او را هم که انجام دادیم. چه مخالفت قطعیه ای پیش آمد؟

بله ترخیص قطعی در مخالفت واقعیه پیش می آید و این منشأ تعارض اصول می شد.

هذا تمام الکلام فی هذه المسئلة.

یقع الکلام فی استحقاق الثواب و العقاب فی الواجب النفسی و الغیری انشاءالله.